

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: سلمان رفیع شیخ
برگردان: م. قربانی
۱۹ جنوری ۲۰۲۴

امریکا چگونه درگیری در بحیره سرخ را بین‌المللی می‌کند



به دنبال انتشار اعلامیه حوثی‌های یمن مبنی بر این‌که هر نوع محموله (کشتی) باری به مقصد اسرائیل را مورد حمله قرار خواهد داد، منطقه بحیره سرخ به تازمترین نقطه اشتعال و درگیری نظامی دیگری پس از مناقشات در اروپای شرقی و غرب آسیا تبدیل شد. در واقع، به نظر می‌رسد حملات حوثی‌ها نتیجه مستقیم جنگ اسرائیل علیه فلسطین است. از آنجا که این گروه بخشی از جریانی است که عموماً به نام "محور مقاومت" علیه اسرائیل و ایالات متحده شناخته می‌شود، غالب تحلیلگران در رسانه‌های اصلی غربی اقدامات حوثی‌ها را با تلاش آن‌ها برای حمایت از حماس علیه اسرائیل مرتبط می‌دانند. این تا حدودی درست است. اما بُعد دیگری نیز وجود دارد که چرا حوثی‌ها تصمیم به انجام چنین حمله‌ای گرفتند، در صورتی که دیگرانی در منطقه هستند که کاملاً قادر به انجام اقدام مشابهی هستند.

جنگ حوثی‌ها علیه اسرائیل عمدتاً واکنش علیه اشغال جزیره یمنی **سقطری**، از سوی اسرائیل در اتحاد با امارات متحده عربی است، جزیره‌ای که امارات با بهره‌گیری از وضعیت سیاسی ناشی از جنگ یمن از سوی امریکا و عربستان سعودی در سال ۲۰۱۸ آنرا اشغال کرد. اکنون، اسرائیل در اتحاد با امارات در حال ساخت یک پایگاه نظامی برای کنترل مسیر آبی در منطقه بحیره سرخ و عملیات اطلاعاتی علیه ایران است. گزارش‌های رسانه‌ها حکایت از این دارد که قرار است افسران نظامی و امنیتی اسرائیل در این پایگاه جای داده شوند. در جنوری سال ۲۰۲۲، گزارش‌هایی درباره همکاری مستمر اسرائیل و امارات، مبنی بر این‌که "توریست"‌های اسرائیلی با استفاده از ویزای اماراتی از این جزیره دیدن می‌کنند، منتشر شد.

این پایگاه نظامی بخشی از تلاش‌های واشینگتن برای ایجاد خاورمیانه "جدید" است که در آن اسرائیل در اتحاد با کشورهای خلیج (فارس) همان نقشی را بازی می‌کند که واشینگتن برای چند دهه برای مقابله با ایران بازی می‌کرد. اما، جنگ اسرائیل علیه غزه، احتمال عادی سازی کلان اعراب با اسرائیل را پیچیده کرده است، این پایگاه نظامی همچنان به عنوان روندی موازی است که نه تنها آنرا از قلمرو یمن خلع کرده و حاکمیت آنرا به خطر می‌اندازد، بلکه مستقیماً ایران را تهدید می‌کند. از این رو، حمله حوثی‌ها در بحیره سرخ به اهداف اسرائیل، معنا می‌یابد.

اما، مهم‌تر واکنش واشینگتن نسبت به این ماجراست. در پاسخ، واشینگتن به جای اصرار بر حل و فصل علت مناقشه که اشغال جزیره (سقطری) از سوی امارات متحده عربی باشد، ایجاد یک اتحاد امنیتی **چهارجانبه** متشکل از امریکا، هند، جاپان و استرالیا است تا با "تروریست‌های" حوثی در بحیره سرخ مبارزه کند.

اولین جلسه کاری گروه **چهارجانبه** علیه تروریسم که از ۱۹ تا ۲۰ دسامبر در هاوایی برگزار شد، تصمیم گرفت: "همکاری میان گروه را افزایش دهد و با شرکای هند و اقیانوس آرام، با اشکال در حال ظهور تروریسم، و رادیکال‌سازی خشونت و افراط‌گرایی خشونت، به مقابله بپردازد." بیانیه گروه همچنین با اشاره غیرمستقیم به حوثی‌ها می‌گوید: "ما با نگرانی عمیق یادآور می‌شویم که تروریسم با بهروز کردن خود و استفاده از فن‌آوری‌های نوین و در حال تحول، مانند سیستم‌های هوایی پهبادهای و اینترنت، از جمله پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی به اشاعه و تحریک اقدامات تروریستی می‌پردازد. به علاوه با تأمین مالی، برنامه‌ریزی و آماده‌سازی فعالیت‌های تروریستی به طور فزاینده‌ای گسترش یافته است."

روانه کردن قشون گروه **چهارجانبه** به بحیره سرخ، به بیان ساده، طرح نظامی کردن منطقه است تا از منافع اسرائیل محافظت و منافع کشورهای رقیب، به ویژه ایران، را تضعیف کند. نمی‌توان انکار کرد که اسرائیل - و امریکا - بیش از دو سال است که تحرکات دریایی خود را در بحیره سرخ آغاز کرده اند. اکنون که اسرائیل با تهدید روزافزونی مواجه است و جنگ آن علیه غزه رو به گسترش است، اقدام به‌هنگام واشینگتن برای معرفی گروه چهارجانبه در بحیره سرخ جنبه راهبردی پیدا می‌کند.

اما واشینگتن تنها از اسرائیل محافظت نمی‌کند. حضور واشینگتن در منطقه از طریق اسرائیل و گروه **چهارجانبه**، چین را نیز مورد هدف قرار داده است، که هم‌اکنون یک پایگاه نظامی در جیبوتی دارد. از این نظر، حرکت گروه چهارجانبه به بحیره سرخ بخشی از گسترش اتحادی است که تا به حال بر اقیانوس آرام متمرکز بود تا اقیانوس هند، و حالا رقابت قدرت‌های بزرگ را از منطقه‌ای به منطقه دیگر می‌برد. این واکنشی است به کامیابی‌های مداوم چین علیه امریکا در سراسر جهان.

پنتاگون در گزارش سال ۲۰۲۳ خود درباره چالش‌هایی که چین برای سلطه امریکا ایجاد می‌کند، نوشت: "جمهوری خلق چین از طیف گسترده‌ای از ابزارهای دیپلماتیک طی سال ۲۰۲۲ استفاده کرد تا نفوذ ما را در سطح جهانی از بین ببرد و مشارکت‌های امنیتی تحت حمایت ایالات متحده مانند گروه **چهارجانبه** و **آکوس** پیمان نظامی سه‌جانبه استرالیا، انگلیس و امریکا را تخریب کند ... رهبران جمهوری خلق چین و مقامات رسمی آن به طور فزاینده‌ای مناسبات چین را با کشورهای در حال توسعه در افریقا، جنوب شرقی آسیا و غرب آسیا تقویت کرده اند؛ با سازمان‌های چندجانبه منطقه‌ای مانند آسه‌آن (اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا) همکاری می‌کنند؛ و جایگاه خود را با عنوان خود-خوانده رهبر واقعی "جنوب جهانی" اعلام می‌نمایند."

روشن است که واشینگتن می‌خواهد چین را به چالش بکشد و امکان گسترش نفوذ آنرا محدود سازد. با این حال، این‌که تا چه حد بتواند این کار را انجام دهد، پرسشی بحث‌برانگیز است. آن‌طور که از محدودیت‌های خود واشینگتن در انتقال

گروه چهارجانبه به منطقه بحیره سرخ به طرز چشمگیری برمی‌آید، هیچیک از شرکای منطقه‌ای مانند عربستان یا هر کشور دیگری در بحیره سرخ در آن شرکت نمی‌کند و مایل به مقابله با چین نیست. اما چین با بسیاری از کشورهای منطقه روابط اقتصادی محکمی دارد. این بدان معناست که کشورهای بحیره سرخ به ناچار تمایلی به حمایت از واشینگتن برای "مقابله" با چین ندارند.

هر چند، این واقعیت که واشینگتن به جای کمک به حل مناقشه موجود و احتمالاً آتی، برای نظامی کردن بیشتر منطقه تلاش می‌کند، به وضوح اولویت‌های آنرا منعکس می‌کند: واشینگتن قصد دارد درگیری‌ها را گسترش دهد و از این سناریو برای پیشبرد منافع استراتژیک منطقه‌ای و جهانی خود استفاده کند.

برگرفته از: نیو ایسترن آوتلوک

منتشر شده در تاریخ: ۱۰ جنوری ۲۰۲۴